

فصلنامه علمی - تخصصی فرهنگ پژوهش

شماره ۱۸، تابستان ۱۳۹۳، ویژه علوم سیاسی

نقش مذهب در انقلاب اسلامی ایران

تاریخ دریافت: ۹۳/۶/۱

تاریخ تأیید: ۹۳/۹/۳۰

مهدی روحی*

چکیده

موضوع مقاله حاضر، «نقش مذهب در انقلاب اسلامی ایران» است. این نوشتار در صدد بیان مشخصه‌هایی است که انقلاب ایران را از سایر انقلاب‌های اسلامی متمایز می‌کند. براساس ادله‌ای که به بررسی آنها پرداخته خواهد شد، بر این باوریم که ایدئولوژی و نرم‌افزار شکل‌گیری انقلاب در ایران، مذهب بوده و هر چند انقلابیون به سایر جنبه‌های زندگی بشری، همچون رفاه و توسعه اقتصادی، مشارکت سیاسی و استقلال خود نیز نگاهی داشتند، ولی همه این موارد را در طرحی کلی‌تر، یعنی اسلام‌خواهی خلاصه می‌کردند. مذهب تشیع به عنوان ایدئولوژی انقلاب؛ امام خمینی(ره) به عنوان فقیهی مرجع، در مقام ایدئولوگ؛ روحانیت و منبر به عنوان صدای رسای انقلاب؛ مناسبت‌های مذهبی به عنوان زمان و حسینیه‌ها و مساجد در مقام هسته‌های شکل‌گیری انقلاب به کار گرفته شدند و سایر مطالبات را در یک کل بزرگ‌تر، یعنی اسلام‌خواهی به کار بستند.

واژه‌های کلیدی: اسلامیت انقلاب، ایدئولوژی، رهبری و روحانیت

* کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم (ع)



پروپوزیشن کاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نوشتار برآنیم تا به همین نکته پردازیم که مذهب و دین در انقلاب اسلامی ایران چه جایگاهی داشته و دارد. به عبارت بهتر چرا انقلاب سال ۵۷ را انقلاب اسلامی می‌دانیم در حالی که نمی‌توان مطالبات اجتماعی و سیاسی مردم در انقلاب را نادیده گرفت. چرا بیشتر تاکید بر اسلامیت انقلاب می‌کنیم و سایر مطالبات و دستاوردهای انقلاب را کم‌رنگ‌تر جلوه می‌دهیم. از این رو در این نوشتار ابتدا به تعریف انقلاب اشاره‌ای نموده، سپس به طور تفصیلی‌تر به نقش و جایگاه مذهب در انقلاب اسلامی ایران خواهیم پرداخت.

تعریف انقلاب

معنای لفظی انقلاب به معنای تحول، زیر و رو شدن و تغییر و تحول است (معین، ۱۳۶۰، ج ۱). در اصطلاح سیاسی تعریف‌های مختلف و متفاوتی از انقلاب ارائه شده است، شاید به تعداد اندیشمندانی که درباره آن به بحث پرداخته‌اند، از انقلاب تعریف ارائه شده است. تعاریفی که از انقلاب ارائه شده است را می‌توان در سه دسته جای داد: گروهی از تعاریف، انقلاب را بر اساس نیات انقلابیون تعریف کرده‌اند. گروه دوم، انقلاب را بر اساس نتایج و پیامدهای آن شناسایی کرده‌اند و از نظر گروه سوم، انقلاب به عنوان یک فرایند، مورد بررسی و تعریف قرار می‌گرفته است (مشیرزاده، ۱۳۷۴، ص ۱۵). ولی در یک تعریف جامع می‌توان انقلاب را این‌گونه تعریف کرد: «انقلاب عبارت است از حرکت مردمی توأم با خشونت در جهت تغییر سریع و بنیادین در ارزش‌ها و باورهای مسلط نهادهای سیاسی، ساختارهای اجتماعی، رهبری، روش‌ها و فعالیت‌های یک جامعه و جایگزینی نظم جدید بجای نظم پیشین» لذا در یک انقلاب باید به مولفه‌هایی چون مردمی بودن، خشونت، تغییرهای بنیادی در ارزش‌ها و باورها و نیز نیل به این اهداف اشاره داشت. و با هر یک از این قیود نوعی از تغییرات خارج می‌شود مثلاً با قید مردمی بودن، کودتا خارج خواهد شد چرا که کودتا توسط فرماندهان و روسای ارتش رخ می‌دهد و

رویکرد دیگر در تحلیل انقلاب اسلامی ایران، تحلیل اقتصادی از انقلاب ایران است. چنین معتقد است که از سال ۵۳ که شاه در نتیجه درآمد عظیم نفت به سمت اجرای مجموعه‌ای از پروژه‌های وسیع اقتصادی رفت و با آن درآمد هنگفت و ناگهانی، یک سری طرح‌های اقتصادی بلند پروازانه همراه با به اصطلاح مدرنیزاسیون را در پیش گرفت که این مدرنیزاسیون و اجرای طرح‌های نوسازی، نه با موقعیت سیاسی خارجی ایران هماهنگ بود و نه با شرایط و ظرفیت‌های داخلی ایران. بعلاوه در این سال‌ها شاه و رژیم سلطنتی به خاطر اجرای این برنامه‌ها و همراه با اجرای آن‌ها، دست به یک سری حرکات روشنفکرمانه و ضددینی ز، فشار بر علما زیادتر شد، ترویج مظاهر فحشا قوت یافت، آزادسازی فرهنگی (به معنی بی‌بندوباری) فزون‌تر شد و... از آن سو، پول فراوانی هم به داخل مملکت سرازیر شده بود و به اصطلاح اصلاحات شروع شده بود. البته اگر قدری جلوتر برویم از فراندوم سال ۴۲ می‌توان آغاز نمود که در راستای همان اصلاحات یاد شده، مبارزه با روحانیت شروع شد.

به هر حال، تضاد سیاست‌های مدرنیزاسیون و طرح‌های بلند پروازانه شاه و عدم تطابق آن با ظرفیت‌های اقتصادی و اجتماعی و روانی جامعه ایران، منجر به این شد که طرح‌های اقتصادی مزبور که همراه با یک سری ابزارها و پشتوانه‌های سیاسی بود، توان اجرایی‌اش را در داخل ایران از دست داد و در سال‌های ۵۵ - ۵۶ بحران اقتصادی را آشکار ساخت. بدین صورت طرح‌ها روی دست رژیم شاه ماند و بحران اقتصادی مملکت را فرا گرفت و در نتیجه، ناتوانی شاه در حل بحران شدت یافته اقتصادی، زمینه‌های تزلزل و سقوطش را فراهم ساخت.

به همین ترتیب وجهه خارجی سیاست شاه نیز با یک سری دست‌اندازه‌های خارجی مواجه شد که علاوه بر این که ریشه در همان برنامه‌های اقتصادی داشت و ماهیتاً اقتصادی بود، جنبه سیاسی نیز پیدا کرد. این نظریه‌ها بیشتر متأثر از نظریه افزایش انتظارات الکسی توکویل و منحنی جی جیمز دیویس هستند (همان، ص ۸۷ و ۹۶).



پښتونستان د علومو او انساني مطالعاتو فریښی
پرتال جامع علوم انسانی

در بررسی خود هر چند عامل مهم در انقلاب ایران را مذهبی و اسلامی می‌داند، ولی منکر وجود سایر عوامل و درخواست‌های انقلابیون نیست. به هر صورت انقلابیون با نفی وضع موجود، خواستار وضعیت اقتصادی بهتر نیز بوده‌اند و البته اهداف سیاسی همچون استقلال و آزادی را نیز مطالبه می‌کردند. لذا تاکید بر عوامل دینی و مذهبی، دال بر فراموشی سایر انگیزه‌ها و مطالبات نیست.

اسلام و انقلاب

چنانچه پیشتر گفتیم تحلیل‌های اقتصادی سیاسی و مذهبی از انقلاب ایران وجود دارد و ما در این نوشتار در پی بررسی عامل مذهب و دین و نقش آن در انقلاب ایران هستیم و قبل از ورود در بحث، باید به این نکته اشاره کنیم که رابطه آموزه‌های دینی با انقلاب چیست؟ و آیا اسلام دینی است که انقلاب را بر می‌تابد یا نه و آیا در آموزه‌های دینی، انقلاب بعنوان راهکاری برای نیل به اهداف مورد توجه و امعان نظر، قرار گرفته است یا خیر؟ در این بخش از نوشتار به این موضوع خواهیم پرداخت.

ماهیت دین اسلام با سرشت انقلاب به گونه‌ای درهم آمیخته که تصور وجود اسلام را جدا از وصف انقلابی آن ناممکن می‌سازد. انقلاب و شورش علیه ظلم و استبداد برای نخستین بار در دین اسلام، با ظهور رسالت رسول اکرم صلی الله علیه و آله آغاز شد. انقلاب و شورش علیه حکومت یزید به رهبری امام حسین علیه السلام و سپس قیام علیه حکام بنی عباس در تحت لوای اسلام و حضور اهل بیت پیامبر، همه نمونه‌هایی از انقلاب اسلامی، با خصلت اسلام انقلابی در صدر اسلام است. بررسی تحلیلی تاریخ اسلام روشن می‌کند که این دین خود به عنوان انقلاب علیه جهل، ظلم، استبداد و علیه تمام ناهنجاری‌ها و به منظور استقرار حکومت عدل الهی، ظهور کرد. حضرت علی علیه السلام در نخستین خطبه، پس از انتخاب به امر حکومت به وضوح، محتوای



پښتونستان ښوونځي
پښتونستان ښوونځي

آیت‌الله محمدباقر صدر در خصوص اسلام و انقلاب، قائل به این هستند که منشأ تغییر و تحول در جامعه نشأت گرفته از تغییر در محتوای درونی انسان است و مطابق با آیه شریفه «ان الله ما یغیر بقوم حتی ینغیروا ما بانفسهم» (رعد، ۱۱) تا وقتی انسان نخواهد و اراده نکند، هیچ تغییری رخ نداده و اتفاقی نخواهد افتاد و از این روست که انسان با قوه اختیار خود می‌تواند برای اصلاح خود و جامعه خود، در جامعه تغییر ایجاد کرده و سعادت را برای خود و جامعه رقم بزند و سنت الهی بر این است که با خواست و اراده انسانی تغییر و تحول در مناسبات بشری اتفاق بیفتد (ملکوتیان، ۱۳۷۲، ص ۱۵۳).

مذهب تشیع به عنوان ایدئولوژی انقلاب ایران

در هر انقلابی برای دستیابی به هدف نهایی و وضعیت بهتر قالباً نوعی تفکر و اندیشه به عنوان راهکار و مبنا مورد استفاده قرار می‌گیرد که از آن با عنوان ایدئولوژی انقلاب نام می‌برند. انقلاب‌های بزرگ دنیا نیز هر یک بر مبنای و ایدئولوژی، سازمان یافته و پرورش یافته‌اند. برای مثال انقلاب روسیه مبتنی بر مارکسیسم شکل گرفت و بر مبنای آن حرکت کرد و توانست نیمی از جهان را فرا گیرد. از این رو ایدئولوژی از اجزاء لاینفک انقلاب بوده و نقش بسزایی در شکل‌گیری انقلاب و پیش‌برد آن دارند. انقلاب اسلامی ایران نیز فارق از یک ایدئولوژی نبوده است.

مذهب تشیع که از عصر صفوی بعنوان مذهب رسمی ایران بوده است دارای خصیصه‌ها و ویژگی‌هایی است که می‌تواند بعنوان یک ایدئولوژی مبنای یک انقلاب باشد. مذهب تشیع ایدئولوژی دایمی انقلاب و مهم‌ترین منبع تجهیز جنبش اجتماعی مردم است و در واقع همین عامل است که موجب تمایز انقلاب ایران از سایر انقلاب‌های جهان می‌شود (شجاعیان، ۱۳۸۳، ص ۱۷۴). حمید عنایت نیز با توجه به این نکته، وجه قالب در انقلاب ایران را وجه

وی سپس از حمید عنایت نقل می‌کند که این تغییر اساسی و مهم همان روحیه احیای مذهب تشیع است. وی معتقد است مفاهیم موجود در تفکر شیعی، منابع لازم را برای علما و روحانیون مبارز فراهم آورد، تا بتوانند با به چالش کشیدن رژیم سلطنتی، مجوز مبارزه سیاسی با شاه و انقلاب را صادر بنمایند. دو اصل مهم غیبت و انتظار و واقعه شهادت امام حسین علیه السلام وجود دارند که باز تفسیر این مفاهیم در دوران معاصر توسط علمای شیعه موجب شکل‌گیری و ادامه حرکت انقلابی مردم شد. براساس اصل غیبت، امام دوازدهم شیعیان غایب بوده و در آخرالزمان روزی بازخواهد گشت و جهان را پر از عدل و داد خواهد کرد. بر این اساس هر حکومتی در عصر غیبت حکومت ظلم و جور و غاصبانه تلقی شده که علما از آن به سلطان جائر نام می‌برند و برای چنین حکومتی مشروعیتی قائل نیستند. تغییر و تحولی که در این اندیشه به وجود آمد بنا بر ادعای عنایت این است که از وجه غالب تسلیم و صبر و رضا به مدل مبارزه‌جویانه، نفی و طرد ظلم مبدل گشت (عنایت، ۱۳۷۷، ص ۴۷).

انتظار فرج از دیگر مفاهیم شیعی است که نقشی مهم در شکل‌گیری انقلاب داشته است. امام خمینی علیه السلام انقلاب ایران را مقدمه‌ای برای انقلاب جهانی مهدوی قلمداد می‌کردند و در این باره می‌گوید: «مسئولان ما باید بدانند که انقلاب ما محدود به ایران نیست، انقلاب مردم ایران نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام به پرچم‌داری حضرت حجت است... مسائل اقتصادی و مادی اگر لحظه‌ای مسئولین را از وظیفه‌ای که بر عهده دارند منصرف کند، خطری بزرگ و خیانتی سهمگین را به دنبال دارد. مردم عزیز ایران باید سعی کنند که سختی‌ها و فشارها را برای خدا پذیرا گردند تا مسئولان بالای کشور به وظیفه اساسی‌شان که نشر اسلام در جهان است برسند و از آنان بخواهند که تنها برادری و صمیمیت را در چهارچوب مصلحت اسلام و مسلمین در نظر بگیرند» (امام خمینی، ۱۳۶۲، ج ۲۱، ص ۳۲۷).



پښتو ښکته علمون انساني و مطالعات فرېښتې
پرتال جامع علمون انساني

کرد. شعارهایی هم که در طول این قیام و ایام پیروزی انقلاب، علیه رژیم پهلوی از طرف مردم سر داده می‌شد، اشاره به نهضت عاشورای حسینی داشت، شعارهایی چون «خمینی بت‌شکن ... خمینی، تو فرزند حسینی»، «خمینی، خمینی تو وارث حسینی» و «نهضت ما حسینیه، رهبر ما خمینیه». قتل عام ۱۵ خرداد، گرچه به ظاهر سرکوب نهضت امام بود؛ اما خون‌های شهدا و افشاگری‌ها و مبارزات بعدی، اذهان را برای یک انقلاب فراهم ساخت.

عاشورای حسینی هم در ظاهر با شهادت امام حسین علیه السلام و یارانش به پایان رسید ولی همان حادثه، بذر تحرک‌ها و بیدادگری‌های عظیمی را افشاند و به بار نشست. امام خمینی رحمته الله علیه در مورد قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ فرمودند:

«آن روز یزیدیان با دست جنایتکاران گور خود را کردند و تا ابد هلاکت خویش و رژیم ستمگر جنایتکار خویش را به ثبت رساندند و در ۱۵ خرداد ۴۲ پهلویان و هواداران و سرداران جنایتکارشان با دست ستم‌شاهی خود گور خود را کردند و سقوط و ننگ ابدی را برای خویش به جا گذاشتند که ملت عظیم‌الشان ایران به حمدالله تعالی با قدرت و پیروزی بر گور آتشبار آنان لعنت می‌فرستد» (امام خمینی، ۱۳۶۲، ج ۱۶، ص ۲۹۰).

به نظر حمید عنایت، تحولی که در تفکر فرهنگ عاشورا حادث شد و مقدمه‌ای برای انقلاب را فراهم نمود سیاسی شدن این واقعه غم‌انگیز بود. به نظر وی امام خمینی واقعه‌ی کربلا و مفهوم شهادت را با ضرورت‌های سیاسی حاد جامعه آن روز، پیوند داد و برای مدعای خود به برخی فرازها از کتاب ولایت فقیه اشاره می‌کند که امام می‌گوید امام حسین برای این شهید شد که از موروثی شدن حکومت توسط یزید جلوگیری کند. وی می‌گوید فرهنگ عاشورا به شیعیان آموخت که در مبارزات خود می‌توانند برای شکل‌گیری حکومت اسلامی واقعه‌ای چون حادثه کربلا بیافرینند (عنایت، ۱۳۷۷، ص ۳۳۰).



پښتونستان د علوم او انسانیت د مطالعاتو مرکز
پرتال جامع علوم انسانیت

سنی داشتند. علمای شیعه نیز به صراحت دریافته بودند که علمای سنی با نزدیک شدن به حاکمان و همراهی با آنان توانسته‌اند با دریافت امتیازات بیشتر به تقویت و توسعه و بسط خود و عقاید خود روی آورند. در حالی که شیعیان چنین قدرتی نداشتند. لذا با روی کار آمدن دولت صفوی در ایران علمای شیعه مخصوصاً اجداد امام موسی صدر به ایران آمدند تا به برادران خود تفهیم کنند که باید از این موقعیت باید به نحو احسن استفاده نمایند و در پناه قدرت صفویه، تشیع را مذهب رسمی ایران قرار دهند و امکان تبلیغ مذهب خود را بیابند. بنا به مدعای نویسندگان کتاب نقش روحانیت در انقلاب اسلامی، اگر علمای آن روز چنین کاری نمی‌کردند و پایه‌های اولیه حکومت شیعه را پی‌نهاده بودند و به الگوسازی دولتی، اقدام نکرده بودند انقلاب اسلامی امروز به پیروزی نمی‌رسید (نقیب زاده، ۱۳۸۲، ص ۶۴).

بدین‌سان روحانیت شیعه به ایفای نقش جدی در کشور ایران پرداخت و در تاریخ پس از آن همواره موثر بود. روحانیت شیعه هرچند خود را به صفویه نزدیک نمود و از قدرت صفویه برای تقویت و توسعه تشیع استفاده کرد، ولی هیچ‌گاه نه با صفویه و نه با قاجار در نیامیخت و حتی استقلال مالی خود را از نهادهای قدرت حفظ کرد و لذا وقتی حکومت صفوی یا قاجار فرو پاشید، نهاد روحانیت و مرجعیت کماکان استوار بر تارک شیعه درخشید و هیچ‌گاه با افول قدرت حاکمان تضعیف نشد (لک زایی، ۱۳۸۵، ص ۱۱۳). روحانیت شیعه، هیچ‌یک از دولت‌های صفوی و قاجار و پهلوی را حکومت مشروع و مآذون نمی‌دانست و هرچند از فضای بدست آمده برای بسط تشیع استفاده می‌کرد، ولی حکومت آنان را بر نمی‌تابید و هر جا فضای مخالفت به وجود می‌آمد، رسماً اعلام موضع می‌کرد.

در عرصه انقلاب اسلامی نیز روحانیت نقشی بسزا و مهم را بر عهده داشت. از مهم‌ترین آنها، نقش رهبری امام خمینی است که در یک بخش مجزا بدان خواهیم پرداخت. روحانیت با کارویژه‌هایی که دارد توانست مهم‌ترین نقش را در انقلاب ایفا نماید. روحانیت به لحاظ جایگاه



پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

تهران، قم، ورامین و... در اعتراض به دستگیری و تبعید امام خمینی علیه السلام راه‌پیمایی کردند و در فضای خفقان و پلیسی کشور در آن زمان، نخستین جرقه‌های انقلاب اسلامی ایران را روشن کردند.

اگرچه رژیم شاه با جدا کردن فیزیکی امام خمینی علیه السلام از ملت ایران سرعت انقلاب اسلامی را کند کرد، اما جاذبه سخنان و دیدگاه‌های او، که در قالب نوار و یا انتشار اعلامیه در داخل کشور از طریق شبکه رسانه‌های سنتی مساجد، تکیه‌ها، حسینیه‌ها و امثال آنها پخش می‌شد، این خلاء را پرکرد. این نوع فعالیت‌ها که از نظر میزان و گستره تاثیر در نوع خود بی‌نظیر بود، بعد از حدود ۱۵ سال نتیجه داد و مردم ایران از سال ۱۳۵۶ نخست در چند شهر بزرگ و از سال ۱۳۵۷ در اکثر شهرهای ایران با حمل تصاویر امام خمینی علیه السلام و پلاکاردهای حاوی بیانات ایشان، به راه‌پیمایی و تظاهرات اعتراض‌آمیز علیه رژیم منحط پهلوی و درباریان فاسد پرداختند و عملاً به رهبری حضرت امام در این نهضت لبیک گفتند.

ورود مقتدرانه و پیروزمندانه امام خمینی علیه السلام در ۱۲ بهمن ۱۳۵۷ به میهن اسلامی و استقبال میلیونی مردم ایران از وی، در حالی که رژیم تا دندان مسلح شاه هنوز پابرجا بود، نشانه‌ای آشکار از نفوذ و سلطه معنوی ایشان بر قلب‌ها و جان‌های مردم ایران بشمار می‌رود. هژمونی که در نوع خود کم‌نظیر است و فقط در اندکی از رهبران انقلابی جهان مشاهده شده است.

نقش آن پیر فرزانه در جریان انقلاب به ویژه در ۱۰ روز حیاتی و تعیین کننده بعد از ورود ایشان به کشور از ۱۲ بهمن تا پیروزی انقلاب اسلامی در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ قابل قیاس با هیچ یک از انقلاب‌های جهان نیست. درک دقیق از شرایط حساس انقلاب، شناخت کامل از فضای حاکم بر داخل کشور به رغم دوری ۱۵ ساله از ایران، اعتقاد راسخ به صحت و درستی راهی که در پیش گرفته بود، متکی نبودن به پشتیبانی هیچ قدرت خارجی و اتکا صرف به پشتیبانی الهی و قدرت لایزال مردم مسلمان ایران و سازش ناپذیری در برابر انواع پیشنهادهای مصالحه



پښتو ښکته علمون انساني و مطالعات فرېښتې
پرتال جامع علمون انساني

آبراهامیان در این خصوص می‌گوید: این پیروی چند دلیل داشت اول اینکه شاه از مذاکره با مخالفان غیرمذهبی به خصوص جبهه‌ی ملی و نهضت آزادی خودداری کرد. دوم آنکه خمینی اظهارات به موقعی برای جلب مخالفان غیر مذهبی ایراد کرد. و سوم آنکه در میان طبقه متوسط جدید که شریعتی، شهرت و محبوبیت خارق‌العاده‌ای بین آنها داشت، خمینی را نه تنها به عنوان یک آیت‌الله عادی، بلکه امامی پرجاذبه می‌دانستند که می‌توانست از طریق انقلاب جامعه را به یک جامعه بی طبقه رهنمون دارد.

بدون شک امام خمینی تنها شخصیتی بود که اجماع حول او ممکن بود و به یقین تنها چهره‌ای در آن برهه بود که توانست به طور دقیق چنین نقشی را ایفا نموده و تمامی توده‌ها و جریانات را به اجماعی کامل برساند.

امام خمینی همواره به اتحاد و انسجام مردم و جریانات در پیروزی انقلاب اهتمام ویژه‌ای داشتند. وی در این خصوص چنین می‌گوید: «آقایان جدا نکنند این جریانات را، این جناح‌ها را. این جناح‌ها را با هم ربط دهید. از این طرف هم روحانیون باید قدر این جمعیتی که برای اسلام دارند کار می‌کنند، برای اسلام دارند چیز می‌نویسند، بدانند. اینها را باید بیاورند توی کار، آقایان گوشتان را باز کنید. نگویید این دانشگاهی‌های فاسق و فاجر و کذا. دایماً جدا نکنید. آنها شما را جدا نکنند که این نمی‌دانم مرتجع است و قدیمی. کی آخوند مرتجع است...» (امام خمینی، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۴۳۷).

۳. نقش روحانیت در بسیج توده‌ها

یکی از مؤلفه‌ای تاثیرگذار در انقلاب، آگاهی بخشی و اطلاع‌رسانی توده‌های مردم نسبت به روند انقلاب و ایجاد شور انقلابی و دعوت به تجمع و اعلام موضع است. با نگاهی به انقلاب ۵۷ و وضعیت رسانه‌ها و رادیو و تلویزیون، می‌بایم که در روند شکل‌گیری انقلاب در



پښتونستان ښوونځي
پښتونستان ښوونځي
پښتونستان ښوونځي

از عوامل دیگر برای اطلاع‌رسانی و انتشار پیام انقلاب را می‌توان استفاده از مناسبت‌های مذهبی همچون ایام محرم و اعیاد مذهبی نام برد. مراسم مذهبی دو خصیصه مهم داشت. اول آنکه در قالب مراسم مذهبی، می‌توانست فعالیت‌های سیاسی در خفا انجام پذیرد، هم واکنش دستگاه حاکم را کمتر می‌کرد، چون دستگاه حاکمه تقریباً جرأتی به خود برای مخالفت با مراسم مذهبی نمی‌داد و نمی‌توانست با آنها مقابله کند. دوم در چنین مراسم مذهبی مردم بصورت خودجوش و بدون دعوت در این مراسم حضور می‌یافتند. حضوری که بسیار پرشکوه‌تر از مراسمی بود که به دعوت کسی شکل می‌گرفت و بدون سازماندهی قبلی بود و از همین رو کمتر واکنش حاکمیت را در پی داشت. در حالی که فرصت بسیار جالبی برای پخش اعلامیه‌ها بود و در این مراسم انقلابیون همدیگر را بیشتر می‌یافتند (نقیب زاده، ۱۳۸۲).

نقش مناسبت‌ها و مراسم مذهبی در انقلاب ایران

اصولاً انقلاب اسلامی ایران در ۲۲ بهمن ۵۷ در تداوم یک سری اتفاقات مذهبی شکل گرفت و رفته رفته هر بار بر شدت آن افزوده شد. چرخه این مراسم مذهبی، اطلاعات و دلایل لازم را برای ورود به فعالیت‌های اعتراض‌آمیز فراهم کرد و به طور خودکار به بسیج مردم علیه دولت کمک کرد. این چرخه کم و بیش تا روز انقلاب ادامه یافت.

بطور کلی مراسم مذهبی شیعیان همچون عاشورا، نیمه شعبان، و چهلم‌ها برای شهیدان یا فوت‌شدگان به نوعی نماد شیعی بودن هستند و علی‌الخصوص عاشورا و عزاداری‌های حسینی و نیمه شعبان و جشن‌های شعبانیه حالت سمبلیک به خود گرفته و حاکی از یک اعتقاد راسخ هستند. بی‌شک انقلاب ایران متأثر از این مراسم مذهبی بود.

مراسم تاثیرگذار مذهبی که در سال آخر عمر حکومت پهلوی رخ داد را می‌توان از درگذشت مشکوک فرزند امام علیه السلام و انتشار مقاله توهین‌آمیز در روزنامه اطلاعات به قلم احمد



پښتونستان ښوونځي
پښتونستان ښوونځي
پښتونستان ښوونځي

۱۳ آبان ۵۷ در دانشگاه تهران کشتار دانش‌آموزان و دانشجویان اتفاق افتاد. در شب اول محرم سال ۵۷ مردم بر فراز بام‌ها شعار الله اکبر سردادند که از هاری مدعی شد همه این صداها نوار بوده است و در نهایت در تاسوعا و عاشورای سال ۵۷ به همراه راهپیمایی و اعتراض‌های گسترده مردم، سربازان از پادگان‌ها گریختند و به جمع مردم پیوستند و در نهایت در ۲۲ بهمن انقلاب به پیروزی رسید (مدنی، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۱۴۰ به بعد).

هدف از بیان سلسله حوادث از روز توهین به امام در روزنامه اطلاعات تا روز پیروزی انقلاب، بیان ارتباط تنگاتنگ این حوادث به هم بود. چنانچه مشاهده شد اعتراض‌ها بصورت پیوسته و در ارتباط با حادثه قبلی بود و هر بار پرشورتر از قبل برگزار می‌شد. و ایامی چون نیمه شعبان، ماه رمضان، عید فطر، محرم و عاشورا، تاثیر بسزایی در هم‌افزایی مردم و اعتراض‌های پرشور داشت آن‌ها علامت‌هایی از اسلام خواهی و پیوند ناگسستنی انقلاب و اسلام هستند.

سیاست‌های ضد دینی رژیم پهلوی و واکنش‌های مردمی

حکومت پهلوی از همان ابتدا که در پی استحکام پایه‌های حکومتی‌اش بود، همواره با فریب همراه بود و سعی داشت تا چهره‌ای مذهبی و شیعی به خود گیرد. ولی در نهان و عملاً نه تنها سیاستی غیرمذهبی داشت، بلکه راه پیشرفت و توسعه را در غربی شدن و سکولاریزه کردن جامعه، جستجو می‌کرد. سیاست‌های خشن رضاخانی، همچون کشف حجاب و مقابله با علما و روحانیت، تماماً ظاهرسازی‌هایی همچون شرکت در مراسم عزاداری سیدالشهدا و حضور در مشهد مقدس را نقش بر آب می‌ساخت.

مردم ایران همواره بر سنت و دین خود پایبند بوده و اسلام‌خواهی یکی از دغدغه‌های اصلی آنان بوده و رشادت‌هایی که در دفاع از دین خود داشته‌اند بسیار بوده است. در چنین



پښتو ښکته علمون انساني و مطالعات فرېښتې
پرتال جامع علمون انساني

مردمی روبرو خواهد بود. از این رو یکی از عواملی که مردم ایران را به صحنه کشاند می‌توان سیاست‌های نادرست توسعه در ایران در عصر پهلوی دانست. و از همین رو مردم ایران در مطالبات خود، یکی از مهم‌ترین خواسته‌های خود را اسلام معرفی کرده، و فراتر از نیازها و مطالبات مادی و اقتصادی خود به مخاطره افتادن اعتقادات خود بیندیشند.

از طرفی در دهه آخر حکومت پهلوی، نخست وزیری به عهده کسی گذاشته شد که نسبت به سایر نخست وزیران عصر پهلوی، کمتر به آموزه‌های دینی ارزش قائل بود. هویدا حدود سیزده سال نخست وزیر بود، در حالی که روحیه‌ای عیاش و خوشگذران، و زن‌باره داشت. ایران و تهران و مردم آن را کمتر می‌شناخت و بیشتر در حال عیش و نوش بود. در دوره او بود که تقلب، زور و دسیسه و رشوه، مد روز و پرستیژ محسوب می‌شد (مدنی، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۲۹۳).

چنین خصیصه‌هایی را می‌توان با روحیه قناعت و سادگی و ایمان و اعتقاد مردم مومن و سنتی دوره انقلاب مقایسه کرد تا به شکاف‌های موجود بین زمامداران و اعتقادات آنان و مردم پی برد. در چنین شرایطی طبیعی است یک روحانی الهی و از جنس مردم و شخصیتی که برای مردم حکم نایب امام معصوم را داراست، چه جایگاهی خواهد داشت و مردم چگونه به ندای او لبیک سر دهند و بر اعتقاد خود حاضر به جانفشانی باشند.

نتیجه‌گیری

انقلاب اسلامی ایران در سال ۵۷ به رهبری امام خمینی یک انقلاب دینی و در جهت احیاء دین و تفکر دینی در جامعه بود. هر چند انقلاب اسلامی اهداف درجه دوم و سوم همچون عدالت‌خواهی، مساوات و استقلال را نیز مطالبه می‌کرد. ولی تمامی این اهداف در چهارچوب اسلام‌خواهی و احیای مجدد اسلام نیز می‌گنجد.



پروپوزیشن کاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه.
۳. امام خمینی (۱۳۶۲)، صحیفه نور، ۲۲ جلدی، تهران: مرکز مدارک فرهنگی امام خمینی.
۴. بابی سعید (۱۳۷۹)، هراس بنیادین: اروپا مداری و ظهور اسلام‌گرایی، ترجمه غلامرضا جمشیدیها و موسی عنبری، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۵. شجاعیان، محمد (۱۳۸۳)، انقلاب اسلامی و رهیافت فرهنگی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۶. عنایت، حمید (۱۳۷۷)، «انقلاب اسلامی: مذهب در قالب ایدئولوژی»، ترجمه امیر سعید الهی، ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ش ۱۳۷ و ۱۳۸. بهمن و اسفند.
۷. فارسی، جلال‌الدین (۱۳۶۸)، فلسفه انقلاب اسلامی، تهران: امیرکبیر.
۸. لک زایی، نجف (۱۳۸۵)، چالش سیاست دینی و نظم سلطانی، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۹. مدنی، جلال‌الدین (۱۳۶۲)، تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج ۲، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۱۰. ملکوتیان، مصطفی (۱۳۷۲)، سیری در نظریه‌های انقلاب، تهران: قومس.
۱۱. نقیب زاده، احمد (۱۳۸۲)، نقش روحانیت شیعه در انقلاب اسلامی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۱۲. مشیرزاده، حمیرا (۱۳۷۴)، «نگرشی اجمالی به نظریه‌های انقلاب در علوم اجتماعی، انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن»، مجموعه مقالات (۱)، قم: معاونت امور اساتید.
۱۳. معین (۱۳۶۰)، فرهنگ فارسی، ج ۱، تهران: امیرکبیر.



پښتونستان ښار په ښار
پښتونستان ښار په ښار